

میدون و سوفیا

نامه به یک ریال!



یوریا عالمی

● سلام ریال‌جان. تو خیلی بدبختی. بمیرم الهی برات. جای تو بین واحدهای پولی کشورهای جهان، مثل جای خودروی داخلی است بین لامبورگینی و پورشه و فراری! درواقع بین چهارچرخه‌های جهان، تو دوچرخه هم نیستی. بعضی‌ها هستند که در زندگی چندان شهره نیستند، ولی بعد از مرگ ارج و قرب پیدا می‌کنند و می‌رود روی قیمتشان! مثل کی؟ مثل خدایامرز مرتضی پاشایی که بعدا نامش به گوش همه رسید.

ولی تو چی ریال؟ تو شبیه بهنام بانی و همای هستی در عالم موسیقی. (که این یعنی خیلی خوبی، آفرین)

البته الان که گفتم بهنام بانی و همای متوجه شدم هر دو این عزیزان روی سن جز خواندن، باید کاری کنند که مخاطب جذبدشان شود. دقیقا مثل ریال!

البته ای ریال!

تو شانس هم نداری. آدم طبیعی یک‌بار ختنه می‌کند و خلاص. خیلی زشت است که آدمی در سن تو هنوز درگیر چنین مسائلی باشد و کارشناسان مدام بگویند یک صفرتر از ببرند یا دوتا؟ یا سه‌تا؟ صفرت را.

همین دیگر. درکل اینکه تمام عمرت دلار را کوبیندند توی سرت و تو را با او مقایسه کردند، معلوم بود که تو وقتی بزرگ شوی هیچی نمی‌شوی. از آن بدتر یورو بود که با سن کمش پونزده شونزده‌هزاربرابر تو می‌ارزد.

مراقب صفرهات باش

امضا: میدون دوم و سوفیا

زنان

تلاش برای بهبود



● بیش از ۲.۵ میلیارد زن و دختر در سراسر جهان به واسطه نقض قوانین یا وجود قوانین نابرابر تحت فشار زندگی می‌کنند. دبیر اجرایی زنان سازمان ملل در حاشیه اجلاس گروه ۷ سعی داشت با مذاکرایی به بهبود قوانین کمک کند. در یکی از جلسات حاشیه‌های این نشست دو برنده صلح نوبل؛ نادیا مراد و دنیس موکوگه نیز حضور داشتند. یک شورای مشورتی گزارشی تهیه کرده بود که رهبران گروه ۷ کم و کسری‌ها را بداندند. در این گزارش از رهبران خواسته شد تا تعهداتی در زمینه لغو قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان و اصلاح قوانین داده شود به شکلی که سبب پیشرفت دختران، زنان و افزایش برابری جنسیتی شود. هرچند ۲.۵ میلیارد زن تحت قوانین تبعیض‌آمیز هستند اما اقدامات بسیاری از سوی دختران و زنان شجاع که سکوت را شکسته‌اند انجام شده به همین دلیل بیش از پیش نیاز به اقدامات سیاسی قوی را بر جرسته کرده است. شاید برای بسیاری از ما باورپذیر نباشد اما در مناطقی از جهان هم تجاوز به زنان قانونی است و هم قتل ناموسی. در عین حال قوانینی نیز درباره نابرابری جنسیتی دستمزدها وجود در دارد. در سخنرانی دبیر اجرایی سازمان ملل که در این اجلاس انجام شد پیشنهاد شد که «سال ۲۰۳۰» عنوان تاریخ انقضای نابرابری جنسیتی اعلام شود. رهبران جهان تعهداتی درباره تغییر قوانین تبعیض‌آمیز داده‌اند البته این شامل تعهدات کشورهای دعوت‌شده، مانند هند، سنگال، شیلی و استرالیا نیز هست تا قوانینی برای حمایت از برابری جنسیتی تصویب کنند. همچنین قرار شده تا کشورهای گروه ۷ از بازماندگان درگیری‌های خشونت جنسی، به ویژه از طریق صندوق بین‌المللی و بازماندگان خشونت جنسی ناشی از درگیری با معرفی‌شدگانی از طرف برندگان جایزه صلح نوبل، خاتم نادیا مراد و دکتر دنیس موکوگه، حمایت کنند. رهبران گروه ۷ همچنین از کارآفرینی زنان در آفریقا حمایت کردند، از جمله حمایت از رفع موانع قانونی، اجتماعی و نظارتی که باعث تبعیض در مشارکت کامل و آزاد اقتصادی و توانمندسازی زنان می‌شود. رهبران گروه ۷ از ابتکار عمل تأمین مالی برای زنان در آفریقا (AFAWA) نیز حمایت کردند که توسط بانک توسعه آفریقا انجام شد.همچنین دیداری بین مدیر اجرایی سازمان به همراه نادیا مراد و دنیس موکوگه با جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا در مورد تعهدات برابری جنسیتی گروه ۷ در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ برگزار شد. البته پیش از این اجلاس و در ۲۳ آگوست، توصیه‌های گروه ۷ برای پیشبرد برابری جنسیتی و توانمندسازی دختران و زنان و برای اقدام به امانوئل مکررون رئیس‌جمهور فرانسه ارائه شده بود. این توصیه‌ها بر چهار زمینه اصلی متمرکز است: خشونت بر پایه جنسیت، دسترسی به سلامت و آموزش جامع، عادلانه و یکایفیت، توانمندسازی اقتصادی زنان و پایان‌دادن به تبعیض در سیاست و زندگی عمومی و اطمینان از مشارکت زنان.

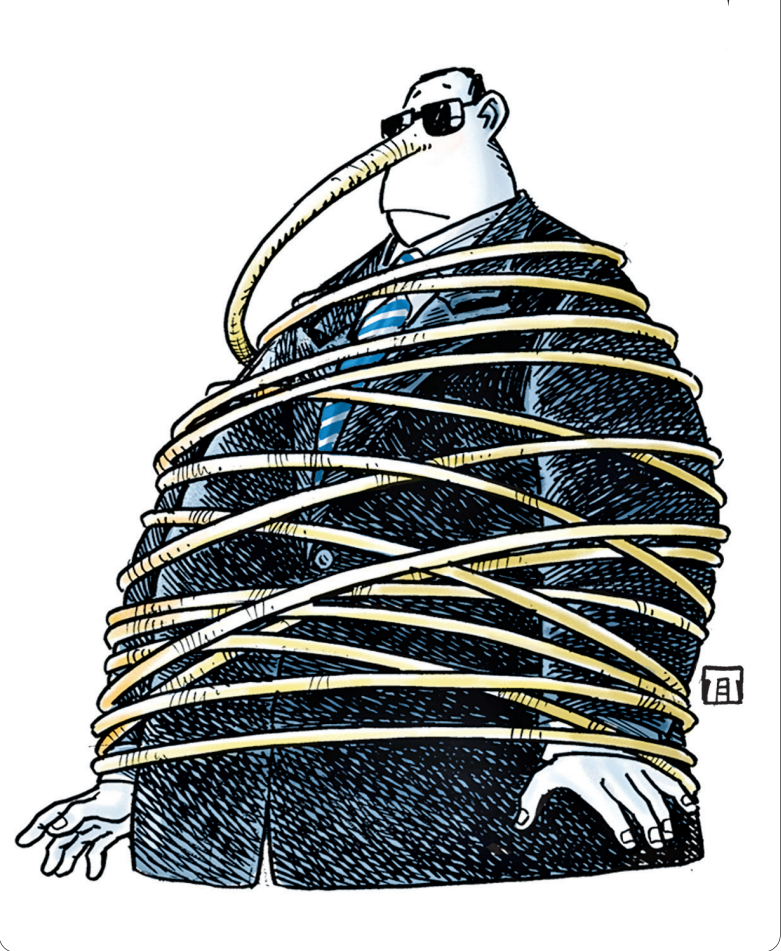
شترت روزنامه

پنجشنبه ۷ شهریور ۱۳۹۸ • ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ • ۲۹ آگوست ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۱۲ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۵ • اذان صبح فردا ۵:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

روزنفرها

کار تون خواب

حیثت کاستانا



نکته

رقابت‌های پر حاشیه خیره‌ها برای لوازم‌التحریر

مینا کامران : این روزها تب مدرسه و مایجتاش حسابی گرم است. شبکه‌های اجتماعی هم که پر شده از کمپین‌های جمع‌آوری و اهدای لوازم تحریر و کیف و کفش. تا آنجا که رقابت عجیبی بین خیره‌ها و انجمن‌ها در جمع‌آوری و توزیع لوازم‌التحریر بین دانش‌آموزان مناطق به‌اصطلاح محروم شکل گرفته است. هزار کوله مهرانی، ۱۰هزار بوی مهر، صد هزار بسته مهر و محبت و... اگر گروه‌ها، اشخاص و شرکت‌ها را هم به این فهرست اضافه کنیم می‌شود صدها گروه که در تب‌وتاب و رقابت سنگینی هستند تا خدای‌نکرده دانش‌آموزی در گوشه‌ای از ایران به دلیل نداشتن مداد و دفتر از تحصیل محروم نماند. شروع این حرکت برمی‌گردد به جشن‌های موسوم به «جشن عاطفه‌ها» که اولین آن در سال ۷۴ توسط کمیته امداد امام خمینی برگزار شد. با شکل‌گیری این‌جی‌اوها و خیره‌ها در دهه ۸۰ حرکتی برای تهیه مایجتاش دانش‌آموزان نیازمند تحت پوشش خود آن مؤسسات صورت گرفت، اما اوج کمپین‌های لوازم‌التحریر در دهه ۹۰ و همین چندسال اخیر است که به واسطه حضور شبکه‌ها اجتماعی نیز بیشتر پدیدار شد و نمود بیرونی بیشتری یافت.فارغ از نیت خیر و حس نوع‌دوستی با بانیان این کمپین‌ها که شکی در آن نیست، شیوه عملکرد انجمن‌هایی که این زمینه تلاش می‌کنند، نیاز به نقد و واکاوی دارد. وقت آن است که بعد از نزدیک به یک دهه تجربه، این مدل همیاری با آگاهی از خطاها و آسیب‌های این اقدام را اصلاح و ساماندهی مجدد کنیم.

۱.توزیع‌ناعادانه

معمولا گروه‌ها، انجمن‌ها و بنگاه‌های اقتصادی که این کمپین‌ها را در اواخر تابستان برگزار می‌کنند اطلاعات درست و کافی از دانش‌آموزان نیازمند منطقه موردنظر ندارند. عدم دسترسی به اطلاعات درست باعث شده که در توزیع این وساییل منطقه‌ای عمل شود؛ مثلا به ادارات آموزش‌وپروزش اعلام می‌کنند این تعداد لوازم‌التحریر را بین دانش‌آموزان فلان بخش یا روستا توزیع کنید؛ اقدامی که در یکی، دو سال گذشته توسط بانک‌ها و وفور دیده شده است.بخشی از گروه‌ها هم که به آموزش‌وپروزش اعتماد چندانی ندارند، خودشان شخصا راهی روستاها و مدارس می‌شوند و مستقیم‌بین دانش‌آموزان بسته‌های لوازم‌التحریر‌بخش می‌کنند، غافل از اینکه در یک روستای بسیار دورافتاده هم سطوح مختلف درآمدی وجود دارد. از طرفی دیگر همین نداشتن اطلاعات و منسجم‌نبودن این حرکت باعث شده در برخی روستاها چندین‌بار لوازم‌التحریر توزیع‌شود. در صورتی‌که در بسیاری از مناطق دانش‌آموزان نیازمند و واجد شرایط بسته‌ای دریافت نکرده‌اند. به‌شخصه شاهد این بودم که روستایی به هر دلیل که مهم‌تریش زرنگی اقماعلم بوده، چند سری

سلام به فردا

درباره منع سلاح‌های هسته‌ای

شوک برشت



منصور حلاج

داشتن جهان امن و فارغ از بیم و هراس از جنگ و تجهیزات اتمی و سلاح‌های هسته‌ای، خواست و آرزوی هر هرنمندی است. برتولت برشت، نمایش‌نامه گالیله را در سال ۱۹۴۳ زمانی که دوران تبعیدش را در آمریکا می‌گذراند، نگاشت؛ یعنی در سال قبل از آنکه آمریکا دو بمب ویرانگر را بر سر مردم هیروشیما و ناگازاکی فروریزد.

در نسخه اولیه نمایش‌نامه گالیله، برشت به‌گونه‌ای هوشمندانه وظیفه دانشمندان و هنرمندان را در دوره‌های خطر رقابت‌های تسلیحاتی متذکر می‌شود؛ اما در نهایت گالیله در مقابل مقام‌های کلیسا و انکیزاسیون، ناگزیر حرفش را پس می‌گیرد و منکر چرخش زمین به دور خورشید می‌شود. دو سال بعد؛ یعنی در سال ۱۹۴۵، دو بمبی که آمریکا بر سر ژاپنی‌ها انداخت، مانند شوکی برشت را متوجه خطر و قدرت تخریب سلاح‌های ویرانگری کرد که در آزمایشگاه‌ها و زرادخانه‌های متحدین و متفقین تدارک دیده می‌شد. برتولت برشت بلافاصله پس از انفجار دو بمب در ژاپن، نسخه‌های اولیه نمایش‌نامه گالیله را جمع‌آوری کرد و پایان نمایش را تغییر داد.در نسخه

ازدواج ایرانی-۲

تغییر جایگاه زنان



پرویز اجمالی

جامعه‌شناس

در بخش اول این تحلیل که در تاریخ ۳۱ مرداد به چاپ رسید، سعی شده بود به بررسی و تحلیل نهاد خانواده در فاصله ۵۰ و ۶۰ سال گذشته و دگرگونی‌هایی که در جامعه ایرانی اتفاق افتاده از منظر تاریخی و اقتصادی به طور اجمالی پرداخته شود، اینک به جنبه دیگری می‌پردازیم.

جایگاه و منزلت اجتماعی زنان غیر از عامل اقتصادی تغییر‌نییادی جایگاه زنان که شاید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جامعه ایرانی در نیم‌قرن گذشته باشد این عامل بر نهاد ازدواج، همسرپایی و فرزندآوری نیز تأثیر بسیار گذاشته است. در جامعه سنتی، به‌ویژه در شهرها زنان میج شآن و جایگاه اجتماعی‌ای نداشتند و زانده مردان و موجودات خانگی محسوب می‌شدند، سواد نداشتند و به مدرسه فرستاده نمی‌شدند. ریش‌سفیدان سنتی می‌گفتند اگر دختر به مدرسه برود، نامه عاشقانه می‌نویسد؛ بنابراین دختران به سختی اجازه پیدا می‌کردند از خانه بیرون بروند، زیرا باز همان ریش‌سفیدان می‌گفتند بهترین دختر دختری است که آفتاب رویش را ندیده باشد؛ یعنی همواره در چهاردیواری خانه که البته در قدیم بزرگ بود عمر خود را سبزی کرده باشد. کارکردن زنان بیرون از خانه رسم نبود. البته زنان روستایی و عشایری چون در کار کشاورزی و دامداری نقش مهمی داشتند از زنان شهری آزادتر بودند و در چهاردیواری خانه محدود نمی‌شدند. دخترها را خیلی زود شوهر می‌دادند. درخانه‌ماندندان برای خانواده‌مردسالار ابرومندانه بود. در اکثر مواقع نظر دختر در ازدواج چندان اهمیت نداشت، مگر آنکه توانسته بود قبل‌نظر یکی از پسرهای فامیل یا همسایه را جلب کند و والدین آن پسر به خواستگاری‌اش می‌آمدند. بعد از ازدواج اوضاع بدتر بود. در سن کم جامعه سنتی آن را مهم‌ترین وظیفه او می‌دانست و آن هم تولید فرزند بود و چون تا بعد از جنگ دوم جهانی از بهداشت و واکسیناسیون و آنتی‌بیوتیک خبری نبود و بیماری‌های عفونی فراوان بود، همه بچه‌ها زنده نمی‌ماندند. بنابراین زنان باید تا وقتی که می‌توانستند بچه بیاورند تا با وجود مرگ‌ومیر بالای کودکان زیر یک سال و پنج سال چند پسرچه برای کار در مزرعه پدر در

تصحیح‌شده، او دانشمندان، هنرمندان و هر آن کس را که به مدد فکرش نان می‌خورد، با طرح این پرسش که چگونه دانشمندی مانند گالیله یا رابرت اوپنهایمر (سازنده بمب اتم) متوجه نمی‌شود که تلاش‌شان در جهت پیشبرد دانش ممکن است به دستاوردی منجر شود که فاجعه‌آفرین باشد، به‌گونه‌ای به چالش می‌کشد. اوپنهایمر حتما از قدرت تخریب اختراعش مطلع بوده است و اینکه در زمانه‌ای مانند امروز، چگونه قدرت‌های خودکامه قادرند تنها با فشاردادن یک دکمه، میلیون‌ها نفر را به کام مرگ و نیستی بکشانند.

در پایان نمایش‌نامه گالیله برشت چنین می‌گوید: شما که چراغ دانش را می‌افروزید

ببفروزید

ولی بد بفروزید

چراکه وازگون خواهد شد

و همه ما را نابود خواهد کرد

اکنون با گذشت نزدیک به ۶۵ سال از جنگ دوم جهانی، کشفیات و پیشرفت‌های تکنولوژیکی بشر در همه زمینه‌ها به‌مراتب مدرن‌تر و مخوف‌تر شده و تجربه از کنترل خارج‌شدن نیروهای تسلیحاتی، به شکل‌گیری سازمان‌های جهانی برای مدیریت و کنترل آن انجامیده است. انسان معاصر خواهان جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای و زیست‌در جهانی با امنیت خاطر و با چشم‌اندازی از صلح و دوستی است.

ازدواج ایرانی-۲

تغییر جایگاه زنان

روستا یا مغازه و کارگاه پدر در شهر باقی‌نمانند. زندگی در چهاردیواری خانه هم برای عروس‌خانم‌ها چندان ساده نبود. این تنها شوهر نبود که عروس‌خانم باید از او اطاعت می‌کرد. امور خانه توسط مادرشوهر و امور بیرون توسط پدرشوهر اداره می‌شد. علاوه‌بر بچه‌دار، سایر کارهای خانه هم برعهده عروس بود. مادرشوهر معمولا فقط مدیریت می‌کرد و دستور می‌داد. خانواده‌های سنتی همیشه برای زنان خانواده و به‌ویژه عروس‌های جوان بسیار پرمشغله بود. هر فصلی کارهای خودش را داشت. خانه هرگز بی‌میهمان نبود و زنان کمتر می‌توانستند به خود فکر کنند. هرچند ممکن بود با عروس‌خانم‌ها با محبت و رثوف رفتار شود، اما باید توجه‌کنیم اینکه این دوره‌می‌ها، یگانگی‌ها و رفت‌وآمدهای بی‌پایان گذشته که ما معمولا حسرت آن‌ها را می‌خوریم به قیمت کار شدید و بی‌پایان برای زنان جوان در خانواده‌های گسترده عملی می‌شد. افزون‌براین شواهد قابل‌توجهی از محدودیت‌های ناعادلانه و شد‌تعمل و خشونت علیه زنان در خانه شوهر در دسترس است. حتی در این شرایط سخت هم زنان حق طلاق‌گرفتن نداشتند و حتی اگر در شرع و قانون برای طلاق آن‌ها راهی پیش‌بینی شده بود، چنین کاری را نمی‌کردند، زیرا فرهنگ مردسالارانه می‌گفت دختری که با اباس سفید به خانه شوهر رفت باید با لباس سفید هم به خانه پدر برگردد (لباس سفید دوم کفش بود). طلاق و حتی ازدواج مجدد زن هرچند در اسلام برخلاف برخی ادیان دیگر امکان داشت، اما در عرف بسیار بد تلقی می‌شد. از آن گذشته زنی که کارکردنش معمول نبود، از نظر مالی وابسته به دیگران بود و اگر خانواده پدری از آبرو هم می‌گذشت، ممکن بود توان حمایت مالی از او را نداشته باشد، به‌ویژه آنکه در موارد بسیاری زن مطلقه برای اینکه شوهر طالعش را وادار به موافقت با طلاق کند، مجبور بود مهرش در حلال کند و اگر در هر شرایطی طلاق می‌گرفت، در شهرها می‌بایست در خانه‌ها کلفتی می‌کرد و شان اجتماعی‌ایایی می‌یافت. علاوه‌بر این‌ها گاه خانواده پدری هم او را طرد می‌کرد. طبیعی بود که در چنین جامعه‌ای ازدواج‌ها پایدار به نظر می‌رسیدند. اما کسی از واقعبات پشت این پایداری ظاهری سخن نمی‌گفت؛ پایداری‌ای که در موارد بسیاری به قیمت ازدواج‌های اجباری و در کنار هم زیستن زوج‌های نامناسب، ازدست‌دادن کودکی، ازدست‌دادن فرصت برای رشد استعدادها و علائق و تبدیل‌شدن به ماشین تولید فرزند و گاه تحقیر و سرکوب زنان به دست آمده بود.

پرنده ابی

استیو جابز قلابی

منتشر کند. طبق این تئوری «استیو جابز، مدیرعامل و سهام‌دار شرکت اپل، زنده است و در مصر به صورت پنهانی زندگی می‌کند» او نوشته است که استیو جابز که هشت سال پیش به دلیل ابتلا به سرطان پانکراس درگذشت، حالا در مصر زندگی می‌کند و سندش هم عکسی است که ملاحظه می‌کنید! این عکس به‌سرعت مورد توجه قرار گرفت و هزاران نفر درباره آن کامنت نوشتند و نظر خود را بیان کردند. اما واقعیت این است که عکس فوتشاپ بوده و سر استیو جابز را به بدن فردی دیگر چسبانده‌اند. این روزها به راحتی نمی‌توان اعتماد کرد، حتی به ویدئوها. نمونه‌اش مورد ناسی پلوسی، رئیس کنگره آمریکا و همچنین ویدئویی که از جان اسنو، قهرمان «بازی تاج‌وتخت» درباره عذرخواهی بابت پایان آن، منتشر شد.

روایت

نهاد مبارزه با فساد



علی نجفی‌توانا

وکیل دادگستری

● در یک نظام مبتنی بر آرای عمومی، اگر مدیر یا مدیرانی قصد موفقیت در اجرای یک برنامه، برای حصول به اهداف مشخص را داشته باشند، قطعا باید لوازم این پروژه و برنامه را تدارک ببینند. در بحث مبارزه با فساد، ریاست قوه قضائیه، هم در گفتمان و هم در اجرای برنامه‌ها نشان داده است که در این مسیر مقاصدی را دنبال می‌کند و درصدد اقدام جدی علیه مفاسد موجود در بحث مدیریت کشوری است؛ اما واقعیت این است که در امر قضا سالم‌سازی جامعه منوط به رعایت چند مؤلفه است؛ اول آنکه قضاوت نباید با سیاست مخلوط شود یا تحت تأثیر آن قرار گیرد. قضاوتی که سیاسی شد، ابزار دست سیاست‌مداران خواهد شد؛ درحالی‌که قضاوت امری تخصصی و علمی است، بنابراین ورود هرگونه شائبه سیاسی‌شدن موجب مخدوش‌شدن خود عدالت و قضاوت خواهد شد.

دومین سازوکار مبارزه با فساد، استفاده از قضات سالم، بی‌طرف، مستقل، اندیشمند و باسواد خواهد بود؛ قضاتی که هیچ دستوری را از مقامی در امر قضا نپذیرند. به‌همین‌دلیل در اکثر کشورهای جهان وقتی بحث قضاوت مطرح می‌شود، از استقلال قاضی سخن به میان می‌آید. سومین ابزار، احترام به قانسون و پذیرش

آمریت قانسون و گردن‌نهادن به قانون در امر قضاست. درخواست ریاست سابق قوه قضائیه دایر بر استفاده از وکلای خاص در دادگاه یا تضعیف حق تجدیدنظرخواهی در برخی از جرائم مصداق بارز تضعیف اصل دادرسی عادلانه می‌شود. به نوعی که اگر فرد گناهکاری محکوم شود، به دلیل اینکه امکان استفاده از وکیل انتخابی را آن‌گونه که باید، ندارد و از میان وکلای محدودی باید وکیل خود را انتخاب کند و در بعضی از احکام و قیبل از تجدیدنظرخواهی حکم قابلیت اجرا دارد، به طور کامل می‌تواند شائبه دخل و تصرف در قضاوت را ایجاد کند. هرچند تدابیر و بخش‌نامه‌ها در راستای قانون‌گرایی است؛ اما در چنین شرایطی فردی که محکوم می‌شود، برایش این سؤال مطرح است که با این ضوابط و طبق قانون اساسی و قوانین عادی که آمریت داشته‌اند، آیا چنین فردی بهتر نمی‌توانست از بی‌گناهی خودش دفاع کند؟ بنابراین قانون‌گرایی در اجرای قضا از دیگر سازوکارهاست. چهارمین مؤلفه بی‌طرفی در برخورد با فساد است. خوشبختانه ما در مابها و هفته‌های انتخاب آقای رئیسی، واکنش‌های قضائی را به صورت بی‌طرفانه دست‌کم در برخورد با تمام افرادی که به جناح‌های مختلف وابسته‌اند، ملاحظه می‌کنیم؛ هرچند چنانچه خواهیم گفت، توقف در این رویکرد مستلزم تعمیم و تأمین این سیاست قضائی است؛ اما واقعیت این است که برخورد با بعضی از افراد نشان می‌دهد که قدم‌های اولیه برای مبارزه به فساد به صورت سیستماتیک در حال برداشته‌شدن است. آقای رئیسی به دلیل سابقه مدیریتی و قضائی و همچنین از نظر آشنایی با قفه و علم حقوق نیز اطلاعات و اشراف لازم را کسب کرده‌اند که اگر با برنامه‌ریزی و استفاده از قضاات متخصص و درعین‌حال مدیریتی که بتواند با چیدمان جدید قدرت، صلابت و سلاطت اجرای برنامه‌ها را تضمین کند، بهترین فرصت و زمان را برای مبارزه با فساد در کشور خواهد داشت. مسائلی که اخیرا در سطح رسانه‌ها منتشر شده و برخی از افراد منتسب به مدیران، فرزندان و افراد نزدیک به آن‌ها مطرح شد، در تحلیل با جامعه‌شناسی سیاسی اعتماد مردم را تا حد زیادی تقلیل داده است بنابراین این مبارزه اگر مقطعی نباشد، اگر سیاسی نباشد، اگر مورد تأیید مدیریت کلان سیاسی کشور باشد و اگر بدون رودربایستی سیاسی اعمال شود، دو اثر بسیار مشهود خواهد داشت. اثر وضعی آن برگرداندن اموال افراد و مدیران مفسد به بیت‌المال خواهد بود. اثر انتقالی آن نوعی پیشگیری و جلوگیری از فساد مدیریتی در کشور است چون اگر مدیران پنجه عدالت را بر گلوی افراد فاسد ببینند، از آن به ناچار برهیز می‌کنند و زمینه‌ساز حضور مدیران سالم خواهند شد. نکته اساسی در اینجا واکنش مردم به چنین اقداماتی است. در صورتی که این واکنش جدی گرفته شود، مردم تشنه مبارزه با فساد هستند و آن‌ها با آنکه با فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنند، عطش سیاسی‌ناپذیری برای اجرای عدالت دارند و از آن حمایت خواهند کرد و با چنین مبارزه‌ای اعتماد برخورد گشت. فساد آن‌قدر ریشه دوانده است که در نتیجه افراد مفسد خود و خانواده‌شان در امان نیستند. طبیعتا برخورد با فساد از اولویت‌های آقای رئیسی است و نباید مدیران فعلی در این مبارزه علیه فساد مد نظر قرار گیرند بلکه طبق همان قانونی که از همه می‌پرسد ثروت‌تان را از کجا آورده‌اید؟ که گفته و نوشته شده، باید امروز دنبال اجرایش باشند و اجرای آن فصل‌الخطاب پیشگیری در برابر فساد است.

ادامه دارد...